

کلمات هم معنی

زیاد: خیلی، ... بسیار...

ناچار: به اجبار

نصیحت: پند

چرا: علف خوردن حیوانات

حرف: ... صحبت...

وانگهی: ناگهان

نجات: رهایی

کلمات مخالف

شروع \neq ... پایان...

شدید \neq ... خفیف...

درست \neq ... نادرست...

دریا \neq ... بیابان...

راست گو \neq ... دروغ گو...

سیل: باران شدید

فکر: اندیشه

مزد: پاداش

درست: ... صحیح...

ناگهان: ... یکدفعه...

گردد: ... تحول یافتن

هیچ کار \neq همه کار

بالا \neq ... پایین

راست \neq ... چپ

روز \neq ... شب

بود \neq ... نبود